

نهادینه سازی فرهنگ پاسخگویی

علی اکبر براتی^۱، پرویز سعیدی^۲

^۱ دانشجوی دکتری حسابداری، گروه حسابداری، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران

^۲ گروه حسابداری و مدیریت، واحد علی آباد کتول، دانشگاه آزاد اسلامی، علی آباد کتول، ایران

نویسنده مسئول:

علی اکبر براتی

چکیده

این پژوهش با هدف شناسایی عوامل مؤثر بر نهادینه سازی فرهنگ پاسخگویی انجام شد. پس از بررسیهای نظری متون و منابع علمی، ۵ فرضیه مطرح شد. تحقیق حاضر از نظر اهداف، یک تحقیق کاربردی، توسعه ای است. کاربردی است، چون به شناخت عوامل مؤثر بر نهادینه سازی فرهنگ پاسخگویی کمک نموده و نتایج آن در حوزه توسعه فرهنگ پاسخگویی می تواند مفید واقع شود. روش پژوهش مطالعه حاضر، روش توصیفی پیمایشی بود. کلیه اساتید دانشگاه در دانشگاههای استان خراسان شمالی جامعه آماری این پژوهش را تشکیل می دهد. با استفاده از فرمول کوکران نمونه مورد بررسی ۳۳۷ نفر محاسبه شد. پرسشنامه های مورد استفاده بصورت تصادفی در بین اساتید توزیع شد. در این پژوهش با استفاده از ابزار پرسشنامه به جمع آوری داده های مورد نیاز اقدام گردید. پرسشنامه تهیه شده شامل ۲۲ سؤال است که این سئوالها بصورت زیر متغیرهای پژوهش را مورد ارزیابی قرار می دهند. نتایج نشان داد که از نظر اساتید متغیر سرمایه فرهنگی مهمترین متغیر نهادینه سازی فرهنگ پاسخگویی است و پس از آن رسانه ها در رتبه دوم اهمیت قرار دارد. همچنین متغیر خانواده در رتبه سوم اهمیت قرار داشته و آموزش پس از آن در رتبه چهارم قرار دارد. همچنین استفاده از شبکه های اجتماعی در رتبه پنجم اهمیت قرار دارد.

کلمات کلیدی: فرهنگ پاسخگویی، سرمایه فرهنگی، رسانه ها، خانواده، آموزش، شبکه های اجتماعی

مقدمه

در گذشته پاسخگویی کارگزاران و مدیران اجرایی در برابر مدیر مافوق و سلسله مراتب مدیریتی بود. با جدا شدن حاکمیت و مالکیت از مدیریت و ظهور نظام تفکیک قوا، پاسخگویی در مقابل دستگاههای نظارتی نیز به وظایف و تکالیف مدیران اجرایی اضافه گردید (شریف زاده و ادبی فیروزجایی، ۱۳۸۷). پاسخگویی عمومی از نشانه های اداره مدرن و دموکراتیک می باشد. اگر آنهایی که قدرت دارند در رابطه با اعمال، اشتباهات و تصمیم گیریهای خود به مردم پاسخگو نباشند، دموکراسی و مردمسالاری در حد حرف و شعار باقی می ماند. بنابراین پاسخگویی به عنوان یک نهاد، مکمل مدیریت دولتی در یک حکومت دموکراتیک و مردمسالار می باشد (بوونس، ۱، ۲۰۱۰).

از منظر جامعه شناسی می توان پاسخگویی را اینگونه تعریف کرد: "یک رابطه اجتماعی که در آن یک بازیگر الزام دارد که اقدامات و عملکرد خود را برای دیگران مهم توضیح دهد و توجیه کند (روزمک، ۲، ۱۹۹۸). اوکونل عقیده دارد، پاسخگویی وقتی وجود دارد که خدمات عمومی با کیفیت بالا، هزینه پایین و روش مناسب ارائه شوند. (اوکونل، ۳، ۲۰۰۹). کوپل نیز پاسخگویی را متشکل از پنج بعد شفافیت، تعهد، کنترل پذیری، مسئولیت و جوابگویی می داند (کوپل، ۴، ۲۰۰۵).

تعدادی از دانشمندان و اندیشمندان، در نوشته های خود بر انواع پاسخگویی تاکید داشته اند چون پاسخگویی در زمینه های متفاوت دارای انواع مختلفی است که پرداختن به آنها، بسیاری از زوایای مبهم این مفهوم را روشن می سازد. این صاحب نظران به همین لحاظ مدل های خود را بر این بعد متمرکز کرده اند. پاسخگویی را به طور روشن و واضح، می توان به دو نوع عمودی و افقی، تقسیم کرد پاسخگویی یک فرد یا واحد اداری به فرد یا واحد مافوق در داخل نظام تشکیلاتی سازمانهای عمومی و دولتی را «پاسخگویی عمودی» و پاسخگویی یک دستگاه عمومی و دولتی به عموم مردم (اعم از فرد یا سازمانهای غیردولتی) و نمایندگان مردم و دستگاههای قضایی مستقل را «پاسخگویی افقی» می نامیم (پاتول، ۵، ۱۹۹۱).

در مدل دیگری، چهار نوع پاسخگویی، مطرح شده است. «پاسخگویی سیاسی» به عنوان نوعی زنجیره ای پاسخگویی است که مستخدمان خدمات عمومی را با رئیس کل اجرایی سازمان که متقابلاً در برابر وزرا پاسخگو است و وزیر با هیات دولت و هیات دولت را با مجلس ارتباط می دهد. «پاسخگویی عمومی»، بیشتر غیررسمی است و نوعی پاسخگویی مستقیم در برابر عامه، اجتماعات، گروهها و افراد است. پاسخگویی عمومی و پاسخگویی سیاسی، اجزای مکمل یک فرایندند. «پاسخگویی حرفه ای»، به معنای وظیفه ای است که فرد یا سازمان، یا گروهی به عنوان عضوی از یک گروه حرفه ای و تخصصی باید انجام دهد. این گروه موقعیت ممتاز و قابل درکی در جامعه دارد، اما شیوه های متعددی برای تعیین آنچه به عنوان حرفه ای در بخش عمومی معنا می دهد، وجود دارد. پاسخگویی در طبقه بندی دیگری، دارای انواع قانونی، مالی، عملکردی، دموکراتیک و اخلاقی است (جنسن، ۶، ۲۰۰۰).

پاسخگویی قانونی: بر این اشاره دارد که تا چه حد متصدیان امور عمومی (کارکنان و مدیران) در سازمانهای خدماتی عمومی از قوانین و مقررات تبعیت می کنند.

پاسخگویی مالی: تا چه حد متصدیان امور عمومی، منابع پولی عمومی را به اثربخش ترین شیوه مصرف می کنند.

پاسخگویی عملکردی: یعنی این که تا چه حد متصدیان امور عمومی اهداف مورد نظر سیاستمداران منتخب و انتظاراتی را که در قلمرو خطمشی های عمومی ایجاد شده اند را تحقق بخشیده اند.

پاسخگویی دموکراتیک: به این معناست که تا چه حد متصدیان امور عمومی به ارزشهای دموکراتیک ارزش قائل اند و فرایندهای دموکراتیک را ایجاد می کنند.

Bovens - ۱

Rozmek - ۲

O'Connell - ۳

Koppell - ۴

Paul - ۵

Jensen - ۶

پاسخ‌گویی اخلاقی: این نوع از پاسخگویی پی‌گیر این مهم است که تا چه حد متصدیان امور عمومی مطابق با اصول اخلاقی عمل می‌کنند (جعفری، ۱۳۹۳).

هرچند پاسخگویی در نظامهای سیاسی جهان به صورتهای متفاوتی مورد تأکید قرار می‌گیرد، در مفهومی عام به فرایندهایی گفته می‌شود که شهروندان با تکیه بر آنها حاکمان را برای رفتار و عملکردشان پاسخگو می‌کنند. این امر که اغلب از راه انتخابات انجام می‌شود به نمایندگان مردم در مجالس مقننه اختیار می‌دهد که مدیران سیاسی و کارکنان دولتی را از سازوکارهای نظارتی و ممیزی پاسخگو کنند. مدیران سیاسی نیز مأموران فردوست خود را از راه سلسله‌مراتب اختیار و مسؤولیت و دادگاه‌ها و محاکم اداری نیز مجریان را در برابر قانون پاسخگو می‌کنند. پاسخگویی، هدفهای سه‌گانه‌ای دارد؛ نخست آنکه ابزاری است جهت نظارت بر قدرت و پیشگیری از سوء استفاده از اختیارات عمومی. دوم تضمینی است بر کاربرد صحیح منابع ملی، تبعیت از قانون و صیانت از ارزشهای خدمات عمومی و سوم ابزار مؤثری است برای ارتقاء و بهبود زمامداری و مدیریت خدمات عمومی (شریف زاده و ادبی فیروزجایی، ۱۳۸۷).

پاسخگویی به عنوان ابزار کنترل قدرت:

بیشتر دولتها در شرایطی به سر می‌برند و در بستری حکومت می‌کنند که باید به تقاضاهای روزافزون شهروندان آگاه، تشکلهای گروه‌های ذی نفع، نهضتهای اجتماعی، مطبوعات و وسایل ارتباط جمعی پاسخ دهند. پاسخگویی از جنبه نظارتی در همه نظامهای سیاسی امروز نقشی محوری دارد؛ زیرا سیاستمداران خواستار آنند که بخش اجرایی دولت از قدرت نامحدود و تهدیدکننده‌ای که دارا است سوء استفاده نکند؛ بنابراین در همه نظامها فرایندها و سازوکارهای پاسخگویی برای نظارت بر اعمال قدرت اجرایی دولت پیش‌بینی شده است (جعفری، ۱۳۹۳).

پاسخگویی به عنوان تضمین استفاده از منابع عمومی:

مردم باید مطمئن شوند که کارگزاران در به‌کارگیری و استفاده بهینه از منابع عمومی از حدود قوانین موضوعه و ارزشهای خدمات عمومی عدول نکرده‌اند. این جنبه اصلی پاسخگویی است؛ زیرا فرض بر این است که شهروندان به‌طور مستقیم در اداره حکومت دخالت ندارند و نمایندگان منتخب آنان در مجالس قانونگذاری از سوی آنان بر کاربرد منابع ملی نظارت می‌کنند؛ از این رو پاسخگو کردن مجریان به سیاستمداران یک اصل محسوب می‌شود.

پاسخگویی ابزاری برای بهبود خدمات دولتی:

نظارت بر قدرت و تضمین کاربرد صحیح منابع عمومی، اغلب جنبه‌های منفی و تنبیهی پاسخگویی را به ذهن تداعی می‌کند. پاسخگویی به عنوان ابزار پیشرفت و بهبود مستمر خدمات به جنبه مثبت خدمات دولتی اشاره دارد. این جنبه از پاسخگویی، نوعی فرایند یادگیری نیز تلقی می‌شود.

یکی از خواستههای مردم در نظامهای مردمسالاری و انقلابهای سیاسی پاسخگویی مسئولان و سیستم سیاسی کشور است. در ایران هم قبل از انقلاب و هم پس از انقلاب یکی از اساسی‌ترین خواسته‌های مردم، پاسخگویی نظام و مسئولین سیاسی کشور است. با همه این خواست‌ها و نیاز مردم به پاسخگویی مسئولین، هنوز فرهنگ پاسخگویی در بین مدیران و مسئولین سازمانها، نهادها و نظام سیاسی کشور ضعیف است. مرور پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که تاکنون تحقیقی با عنوان پژوهش حاضر انجام نشده است. لذا در این مقاله تلاش می‌شود تا راههای نهادینه سازی فرهنگ پاسخگویی در ایران مطالعه و بررسی شود. از آنجایی که بحث این مقاله در حوزه فرهن سازی است، لذا در فرایند فرهنگسازی عوامل مختلفی می‌تواند موثر باشد که می‌توان گفت که عوامل جامعه پذیری بطور کلی می‌تواند در زمینه فرهنگسازی در هر زمینه ای موثر باشد. در بین عوامل جامعه پذیری می‌توان به عامل زیر بنایی خانواده، رسانه ها، استفاده از شبکه های اجتماعی، میزان سرمایه فرهنگی اشاره کرد.

چارچوب نظری پژوهش

در این پژوهش نظریه سرمایه فرهنگی پیر بوردیو به عنوان چارچوب نظری پژوهش انتخاب شده است که در واقع همه عوامل دیگر را چه به صورت مستقیم و چه غیر مستقیم پوشش می دهد همانگونه که بوردیو ۷ بیان می کند سرمایه فرهنگی به معنای قدرت شناخت و قابلیت استفاده از کالاهای فرهنگی در هر فرد و دربرگیرنده تمایلات پایدار فرد است که در خلال اجتماعی شدن در فرد انباشته میشود؛ به عبارت دیگر سرمایه فرهنگی به معنای صورتهایی از دانش، مهارتها، آموزش و مزایایی است که یک انسان واجد شرایط آن است و به او اجازه میدهد جایگاه بالاتری در جامعه کسب کند. بر این اساس پدران و مادران به فرزندان خود (با انتقال نگرشها و معرفتهایی که در سیستم آموزشی جاری به موفقیت آنان کمک می کند) سرمایه فرهنگی می بخشند. از این نظر سرمایه فرهنگی به مجموعه‌ای از توانمندیها، عادت‌ها و طبعهای فرهنگی، شامل دانش، زبان، سلیقه یا ذوق و سبک زندگی دلالت دارد (گلایبی، بوداکی، و علی پور، ۱۳۹۴).

از نظر بوردیو سرمایه فرهنگی به سه دسته تقسیم می شود:

- ۱- سرمایه فرهنگی تجسم یافته: این نوع سرمایه بیشتر از طریق جامعه پذیری از والدین به فرزندان منتقل می شود. بوردیو این نوع سرمایه را به عنوان «تمایلات پایدار ذهن و جسم» تعریف می کند، که همراه با تولد در وجود فرد شکل می گیرد و نمی توان آن را مانند یک هدیه به راحتی به دیگری انتقال داد، نظیر مهارتهای زبانی، این نوع سرمایه در اندیشه بوردیو «به سبک ها، روش ها و سلیق فرهنگی اشاره دارد.
- ۲- سرمایه فرهنگی عینیت یافته: این نوع سرمایه نه در ذهن و جسم بلکه در کالاهای فرهنگی، یافت می شود که گروههای اجتماعی آنها را مصرف می کنند نظیر: کتاب، نقاشی، کاست، عکس، فرهنگ لغات، ابزارآلات ماشین و خصوصاً نویسندگی. نکته قابل توجه در مورد این نوع سرمایه این است که تنها کسانی که سرمایه فرهنگی تجسم یافته را در اختیار دارند، می توانند سرمایه فرهنگی عینیت یافته را نیز به دست آورند. به عبارت دیگر «سرمایه فرهنگی نوع اول شرط لازم برای تصاحب سرمایه فرهنگی نوع دوم است» (بوردیو، ۱۹۸۶).
- ۳- سرمایه فرهنگی نهادی شده: این نوع سرمایه فرهنگی بیشترین رابطه را با فرآیندی که در نظام آموزش و پرورش رخ می دهد، دارد نظیر داشتن مدرک تحصیلی از یک دانشگاه معتبر و گواهینامه معتبر، این نوع سرمایه می تواند موقعیت اجتماعی یا اقتصادی افراد و گروهها را بالا ببرد.

در این پژوهش ۵ فرضیه به شرح زیر مطرح می شود:

- ۱- سرمایه فرهنگی بر نهادهای سازی فرهنگ پاسخگویی تاثیر معنادار دارد.
- ۲- آموزش بر نهادهای سازی فرهنگ پاسخگویی تاثیر معنادار دارد.
- ۳- استفاده از شبکه های اجتماعی بر نهادهای سازی فرهنگ پاسخگویی تاثیر معنادار دارد.
- ۴- خانواده بر نهادهای سازی فرهنگ پاسخگویی تاثیر معنادار دارد.
- ۵- رسانه ها بر نهادهای سازی فرهنگ پاسخگویی تاثیر معنادار دارد.
- ۶- از نظر پاسخگویان عوامل مختلف اهمیت متفاوتی بر نهادهای سازی فرهنگ پاسخگویی دارند.

متدولوژی و روش تحقیق

تحقیق حاضر از نظر اهداف، یک تحقیق کاربردی، توسعه ای است. چون به شناخت عوامل موثر بر نهادهای سازی فرهنگ پاسخگویی کمک نموده و نتایج آن در حوزه توسعه فرهنگ پاسخگویی می تواند مفید واقع شود. روش پژوهش مطالعه حاضر، روش توصیفی پیمایشی است. کلیه اساتید دانشگاه در دانشگاههای استان خراسان شمالی جامعه آماری این پژوهش را تشکیل می دهد. از افراد متخصص، مدیران و اساتید، با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی - خوشه ای نمونه گیری شد. تعداد اساتید دانشگاههای مختلف استان خراسان شمالی در دانشگاههای دولتی، پیام نور و آزاد و غیر انتفاعی ۳۴ واحد است که در این دانشگاهها تعداد ۲۷۶۴ نفر به عنوان استاد مشغول هستند که با استفاده از فرمول کوکران نمونه مورد بررسی ۳۳۷ نفر محاسبه شد. پرسشنامه های مورد استفاده بصورت تصادفی در بین اساتید توزیع شد. در این پژوهش با استفاده از ابزار پرسشنامه به جمع آوری داده های مورد نیاز اقدام گردید. پرسشنامه تهیه شده شامل ۲۲ سؤال است که این سؤالاها بصورت زیر متغیرهای پژوهش را مورد ارزیابی قرار می دهند. در این پژوهش پس از تهیه و تنظیم پرسشنامه، با اساتید و کارشناسان متخصص در امر مسائل فرهنگی مشورت گردید و نهایتاً پس از اصلاحاتی پرسشنامه نهایی تایید شد. همچنین به منظور

محاسبه و برآورد میزان پایایی پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ استفاده شده است. بر اساس آزمون مقدماتی پرسشنامه تعداد ۲۰ پرسشنامه بین پاسخگویان توزیع شد و پس از وارد کردن اطلاعات و داده های پرسشنامه به برنامه spss مقدار آلفای کرونباخ گویه ها محاسبه گردید که در جدول ۱ مقدار آلفای کرونباخ هر یک از گروه سئوالات مشاهده می شود. چون مقدار آلفای کرونباخ محاسبه شده بیشتر از ۰/۷۰ است بنابراین می توان گفت که سئوالات پرسشنامه طراحی شده در سنجش و اندازه گیری متغیرهای مورد مطالعه پایایی قابل قبولی دارند.

جدول ۱- تعداد سئوالها و میزان آلفای کرونباخ

متغیر	تعداد سئوال	آلفای کرونباخ
سرمایه فرهنگی	۵	۰.۸۶
آموزش	۶	۰.۷۹
استفاده از شبکه های اجتماعی	۴	۰.۸۴
خانواده	۴	۰.۷۸
رسانه ها	۳	۰.۷۱

یافته ها پژوهش

فرضیه اول پژوهش: سرمایه فرهنگی بر نهادینه سازی فرهنگ پاسخگویی تاثیر معنادار دارد. بر اساس نتایج بدست آمده از آزمون t تک نمونه ای که در جدول ۲ مشاهده می شود، چون t محاسبه شده برای سرمایه فرهنگی برابر با ۱۱/۳۶ است و در سطح اطمینان ۹۹ درصد ($\alpha = 0.01$) و درجه آزادی $df = 336$ از t مقدار بحرانی ($t = 2.358$) جدول توزیع t بزرگتر است بنابراین فرضیه H0 رد و فرضیه H1 پژوهش تایید می شود. یعنی با توجه به شواهد و داده های بدست آمده از نظر پاسخگویان میانگین نمره سرمایه فرهنگی برابر با ۳/۹۷ است که بطور معنی داری از میانگین فرضی ۳ بزرگتر است و از نظر پاسخگویان این پژوهش متغیر سرمایه فرهنگی بر نهادینه سازی فرهنگ پاسخگویی تاثیر معنادار دارد.

فرضیه دوم پژوهش: آموزش بر نهادینه سازی فرهنگ پاسخگویی تاثیر معنادار دارد. بر اساس نتایج بدست آمده از آزمون t تک نمونه ای که در جدول ۲ مشاهده می شود، چون t محاسبه شده برای آموزش برابر با ۳/۹ است و در سطح اطمینان ۹۹ درصد ($\alpha = 0.01$) و درجه آزادی $df = 336$ از t مقدار بحرانی ($t = 2.358$) جدول توزیع t بزرگتر است بنابراین فرضیه H0 رد و فرضیه H1 پژوهش تایید می شود. یعنی با توجه به شواهد و داده های بدست آمده از نظر پاسخگویان میانگین نمره آموزش برابر با ۳/۳۳ است که بطور معنی داری از میانگین فرضی ۳ بزرگتر است و از نظر پاسخگویان این پژوهش متغیر آموزش بر نهادینه سازی فرهنگ پاسخگویی تاثیر معنادار دارد.

فرضیه سوم پژوهش: استفاده از شبکه های اجتماعی بر نهادینه سازی فرهنگ پاسخگویی تاثیر معنادار دارد. بر اساس نتایج بدست آمده از آزمون t تک نمونه ای که در جدول ۲ مشاهده می شود، چون t محاسبه شده برای استفاده از شبکه های اجتماعی برابر با ۳/۶۹ است و در سطح اطمینان ۹۹ درصد ($\alpha = 0.01$) و درجه آزادی $df = 336$ از t مقدار بحرانی ($t = 2.358$) جدول توزیع t بزرگتر است بنابراین فرضیه H0 رد و فرضیه H1 پژوهش تایید می شود. یعنی با توجه به شواهد و داده های بدست آمده از نظر پاسخگویان میانگین نمره استفاده از شبکه های اجتماعی برابر با ۳/۳۵ است که بطور معنی داری از میانگین فرضی ۳ بزرگتر است و از نظر پاسخگویان این پژوهش متغیر استفاده از شبکه های اجتماعی بر نهادینه سازی فرهنگ پاسخگویی تاثیر معنادار دارد.

فرضیه چهارم پژوهش: خانواده بر نهادینه سازی فرهنگ پاسخگویی تاثیر معنادار دارد. بر اساس نتایج بدست آمده از آزمون t تک نمونه ای که در جدول ۲ مشاهده می شود، چون t محاسبه شده برای خانواده برابر با ۷/۰۶۷ است و در سطح اطمینان ۹۹ درصد ($\alpha = 0.01$) و درجه آزادی $df = 336$ از t مقدار بحرانی ($t = 2.358$) جدول توزیع t بزرگتر است بنابراین فرضیه H0 رد و فرضیه H1 پژوهش تایید می شود. یعنی با توجه به شواهد و داده های بدست آمده از نظر پاسخگویان میانگین نمره خانواده

برابر با ۳/۷۱ است که بطور معنی داری از میانگین فرضی ۳ بزرگتر است و از نظر پاسخگویان این پژوهش متغیر خانواده بر نهادینه سازی فرهنگ پاسخگویی تاثیر معنادار دارد.

فرضیه پنجم پژوهش: رسانه ها بر نهادینه سازی فرهنگ پاسخگویی تاثیر معنادار دارد. بر اساس نتایج بدست آمده از آزمون t تک نمونه ای که در جدول ۲ مشاهده می شود، چون t محاسبه شده برای رسانه ها برابر با ۱۰/۹۹۴ است و در سطح اطمینان ۹۹ درصد ($\alpha = 0/01$) و درجه آزادی $df = 336$ از t مقدار بحرانی ($t = 2/358$) جدول توزیع t بزرگتر است بنابراین فرضیه H_0 رد و فرضیه H_1 پژوهش تایید می شود. یعنی با توجه به شواهد و داده های بدست آمده از نظر پاسخگویان میانگین نمره رسانه ها برابر با ۳/۸۹ است که بطور معنی داری از میانگین فرضی ۳ بزرگتر است و از نظر پاسخگویان این پژوهش متغیر رسانه ها بر نهادینه سازی فرهنگ پاسخگویی تاثیر معنادار دارد.

جدول ۲- آماره های آزمون t فرضیه های تحقیق

متغیرها	میانگین t	میانگین فرضی = ۳		
		درجه آزادی	سطح معنی داری	تفاوت میانگین
سرمایه فرهنگی	۳/۹۷	۱۱/۳۶	۰/۰۱	۰/۹۸
آموزش	۳/۳۳	۳/۹	۰/۰۱	۰/۳۳
استفاده از شبکه های اجتماعی	۳/۳۵	۳/۶۹	۰/۰۱	۰/۳۵
خانواده	۳/۷۱	۷/۰۶۷	۰/۰۱	۰/۷۱
رسانه ها	۳/۸۹	۱۰/۹۴۴	۰/۰۱	۰/۸۹

رتبه بندی عوامل نهادینه سازی فرهنگ پاسخگویی

به منظور رتبه بندی عوامل موثر بر عوامل نهادینه سازی فرهنگ پاسخگویی از آزمون فریدمن استفاده می شود. همانگونه که مشاهده می شود، متغیر سرمایه فرهنگی با میانگین رتبه ۵/۰۱ از نظر اساتید مهمترین متغیر نهادینه سازی فرهنگ پاسخگویی است و پس از آن رسانه ها با میانگین رتبه ۴/۶ در رتبه دوم اهمیت قرار دارد. همچنین متغیر خانواده با میانگین رتبه ۴/۵۵ در رتبه سوم اهمیت قرار داشته و آموزش با میانگین رتبه ۴/۴۳ پس از آن در رتبه چهارم قرار دارد. استفاده از شبکه های اجتماعی در بین متغیرهای مورد مطالعه با میانگین رتبه ۳/۹ در رتبه پنجم اهمیت قرار دارد. آزمون کای دو نشان دهنده با اهمیت بودن اولویت بندی عوامل توسط پاسخگویان است. مقدار $\chi^2 = 55/51$ با درجه آزادی ۶ در سطح $\alpha = 0/01$ معنی دار است، بنابراین می توان گفت که از نظر پاسخگویان ترتیب و اولیوی در اهمیت تاثیر گذاری این عوامل نهادینه سازی فرهنگ پاسخگویی به ترتیبی که ذکر شد، وجود دارد.

جدول ۳- میانگین رتبه عوامل موثر بر نهادینه سازی فرهنگ پاسخگویی

رتبه	عامل	میانگین رتبه	آماره های آزمون کای دو
۱	سرمایه فرهنگی	۵/۰۱	تعداد ۳۳۷
۲	رسانه ها	۴/۶	۲۷ ۵۵/۵۱
۳	خانواده	۴/۵۵	درجه آزادی ۴
۴	آموزش	۴/۴۳	سطح معنی داری ۰/۰۱
۵	استفاده از شبکه های اجتماعی	۳/۹	

بحث و نتیجه گیری

یکی از مسائل مهم در نظامهای دموکراتیک و مردمسالار، مساله پاسخگویی است که در صورت نبود پاسخگویی در بین مدیران و مسئولان کشور، نارضایتی عمومی افزایش می یابد. لذا مسئولان و مدیران کشور باید در پستیهای که قرار دارند در قبال مسئولیتی که به آنها به امانت سپرده شده، باید پاسخگویی مناسبی داشته باشند. در این پژوهش متغیرهای مختلفی که در زمینه نهادینه سازی فرهنگ پاسخگویی مورد بررسی قرار گرفت، لذا متغیرهایی نظیر سرمایه فرهنگی، رسانه ها، خانواده، آموزش، استفاده از شبکه های اجتماعی به عنوان عوامل و متغیرهایی که می تواند در حال حاضر یا در آینده بر نهادینه کردن فرهنگ پاسخگویی موثر باشد مورد بررسی قرار گرفت.

بر اساس نتایج بدست آمده از نظر پاسخگویان میانگین نمره سرمایه فرهنگی برابر با ۳/۹۷ است و از نظر پاسخگویان این پژوهش متغیر سرمایه فرهنگی بر نهادینه سازی فرهنگ پاسخگویی تاثیر معنادار دارد. در این زمینه می توان گفت که می توان گفت که سرمایه فرهنگی افراد جامعه رابطه زیادی با رفتارهای آنها دارد زیرا افراد هر طبقه خاص بر حسب میزان تحصیلات خود، کتابهای مورد مطالعه، استفاده از وسایل ارتباط جمعی نظیر اینترنت و غیره دانش و آگاهی شان افزایش می یابد و سرمایه فرهنگی بالاتری را کسب می کنند که این سرمایه فرهنگی در رفتارهای آنها و طرز برخورد و تفکرشان نمود پیدا می کند؛ و این امر با نظریه سرمایه فرهنگی پیر بورديو همخوانی دارد که سرمایه فرهنگی افراد هر جامعه، چارچوبی را برای او مشخص می کند که توضیح دهنده رفتار آنهاست و کسانی که سرمایه فرهنگی بالاتری دارند رفتارهای درست تری را نیز انجام می دهند.

بر اساس نتایج بدست آمده از نظر پاسخگویان میانگین نمره آموزش برابر با ۳/۳۳ است که بطور معنی داری بر نهادینه سازی فرهنگ پاسخگویی تاثیر معنادار دارد. از مهمترین نظام های اجتماعی که بیش از همه با مفهوم ساز و کارهای توسعه و تعالی فرهنگی همراه است، نظام آموزش و پرورش و آموزش عالی می باشد. به عبارت دیگر در تحقق توسعه فرهنگی و نهادینه سازی فرهنگ پاسخگویی و پایه گذاری آن، آموزش جایگاه والایی دارد. هیچ یک از نظامهای اجتماعی به اندازه نظام آموزشی با تحول اجتماعی و فرهنگی پیوستگی ندارند؛ زیرا نظام آموزش و پرورش با انسان سروکار داشته و بی شک، هیچ تحولی بدون علم و فن، محقق نخواهد شد. به علاوه هیچ علم و فنی نیز بدون وجود انسانهای فرهیخته و متفکر تولید نمی گردد. بنابراین توسعه فرهنگی، به رغم تأثیرپذیری از همه نظامهای جامعه، به طور ویژه مرهون نظام آموزشی خواهد بود.

بنابراین آموزش و پرورش از هر منظر که مورد بحث قرار گیرد در کانون تعالی فرهنگی است، چه به مفهوم وسیله انتقال میراث فرهنگی از یک نسل به نسل دیگر و فرهنگ پذیری افراد جامعه، چه به مفهوم فراگرد رشد و تکامل انسان و تعالی جامعه و حتی در مفهوم فراگرد تغییر، تکامل و غنای فرهنگی، همواره آموزش و پرورش در قلب تعالی فرهنگی جامعه جای دارد و جزء اساسی آن است. همچنین بر اساس نتایج بدست آمده، از نظر پاسخگویان میانگین نمره استفاده از شبکه های اجتماعی برابر با ۳/۳۵ است که بطور معنی داری از میانگین فرضی ۳ بزرگتر است و از نظر پاسخگویان این پژوهش متغیر استفاده از شبکه های اجتماعی بر نهادینه سازی فرهنگ پاسخگویی تاثیر معنادار دارد. بر اساس نتایج بدست آمده از نظر پاسخگویان میانگین نمره خانواده برابر با ۳/۷۱ است که بطور معنی داری از میانگین فرضی ۳ بزرگتر است و از نظر پاسخگویان این پژوهش متغیر خانواده بر نهادینه سازی فرهنگ پاسخگویی تاثیر معنادار دارد. جامعه شناسان در مورد کارکردهای اجتماعی نهاد خانواده به نکات مهمی اشاره کرده اند. آنها نقش و کارکرد نهاد خانواده را در ساختهای اجتماعی، مکمل کارکرد سایر نهادهای اجتماعی از جمله نهاد آموزش و مذهب و... دانسته و آثار آن را در تقویت هویت و امنیت عمومی در سطح بالایی ارزیابی می کنند. لذا خانواده می تواند بنیان فرهنگ پاسخگویی در جامعه را تقویت نماید.

بر اساس نتایج بدست آمده از نظر پاسخگویان میانگین نمره رسانه ها برابر با ۳/۸۹ است که بطور معنی داری از میانگین فرضی ۳ بزرگتر است و از نظر پاسخگویان این پژوهش متغیر رسانه ها بر نهادینه سازی فرهنگ پاسخگویی تاثیر معنادار دارد. یکی از ویژگیهای نظامهای سیاسی مردم سالار توانایی پاسخگویی آنها در قبال عملکرد خود است. البته در این خصوص نمیتوان انتظار داشت که حکومتی خود به تنهایی پاسخگوی عمل خود باشد، بلکه چنین فرایندی از سازوکارهای اساسی برخوردار است که از آن می توان بعنوان نهادهای جامعه مدنی یاد کرد. رسانه ها که بعنوان یکی از اهرمهای موثر بر پاسخگویی دولت و بیان کننده خواسته های مردم به شمار میروند و این رسانه اجتماعی در یک نظام مردمی، امکان تبادل افکار و اطلاعات را فراهم می کند و دولت و مردم را در جریان مواضع و خواسته های یکدیگر قرار میدهد. با انعکاس اخبار و اطلاعات در واقع میان اجزای سازنده عرصه عمومی ارتباط برقرار می کنند و با افزایش سطح آگاهی عمومی مبادرت به مهندسی افکار عمومی می نمایند و از سوی دیگر با جمع آوری و انعکاس نظرات، انتقادات و عقاید مردم و مسئولان، ارتباط میان حکومت کنندگان (دولت) و حکومت شوندگان (مردم) را برقرار می سازند. نتایج نشان داد که از نظر اساتید متغیر سرمایه فرهنگی مهمترین متغیر نهادینه سازی فرهنگ پاسخگویی است و پس از آن رسانه ها در رتبه دوم اهمیت قرار دارد. همچنین متغیر خانواده در رتبه سوم اهمیت قرار داشته و آموزش پس از آن در رتبه چهارم قرار دارد. همچنین استفاده از شبکه های اجتماعی در رتبه پنجم اهمیت قرار دارد. لذا بر اساس این نتایج پیشنهاداتی ارائه می شود.

ساخت و تولید برنامه های با محتوای پاسخگویی و پخش آن از طریق رسانه های جمعی. پیشنهاد می شود، برای اثرگذاری و نهادینه کردن فرهنگ پاسخگویی به افراد از سنین پایین و کودکی در خانواده ها و مدارس درباره فرهنگ پاسخگویی آموزشهای لازم ارائه شود. چرا که عوامل اجتماعی شدن (به ویژه مدرسه و خانواده) نقش زیادی در شکل گیری رفتار شهروندان دارند.

۳- رسانه های جمعی و نوین ارتباطی، به میزان زیادی بر نهادینه کردن فرهنگ پاسخگویی اثر می گذارند. بنابراین پیشنهاد می شود دستگاههای ذیربط با استفاده از این ابزارها به فرهنگسازی و ایجاد و نهادینه کردن فرهنگ پاسخگویی اقدام نمایند.

منابع و مراجع

- جعفری، مهدی. (۱۳۹۳). فرهنگ پاسخگویی در مدیریت/ بیمارستانی (ج ۱، ص ۲۱). مقاله ارائه شده در اولین کنفرانس ملی جایگاه مدیریت و حسابداری در دنیای نوین کسب و کار، اولین کنفرانس ملی جایگاه مدیریت و حسابداری در دنیای نوین کسب و کار، اقتصاد و فرهنگ: دانشگاه آزاد اسلامی واحد علی آباد کتول.
- شریف زاده، فتاح؛ و ادبی فیروزجایی، علی. (۱۳۸۷). اثر نظارت و بازرسی در استقرار و تقویت فرهنگ پاسخگویی. *مطالعات مدیریت (بهبود و تحول)*، ۱۵ (۵۸)، ۱۲۷-۱۴۲.
- گلابی، فاطمه؛ بوداقي، علی؛ و علی پور، پروین. (۱۳۹۴). مروری تحلیلی بر تلفیق عاملیت و ساختار در اندیشه پیر بوردیو. *پژوهش های جامعه شناسی معاصر (علمی - پژوهشی)*، ۴ (۶)، ۱۱۷-۱۴۳.
- Bourdieu, Pierre. (1986). *the Forms of Capital in J Richardson (ed.); Handbook of Theory and Research for the Sociology of Education*. New York: Green wood.
- Bovens, Mark. (2010). Two Concepts of Accountability: Accountability as a Virtue and as a Mechanism. *West European Politics*, 33(5), 946-967. <https://doi.org/10.1080/01402382.2010.486119>
- Jensen, Lotte. (2001). Chapter 25. Constructing the image of accountability in Danish public sector reform. In *Learning from International Public Management Reform: Part B* (Vol. 11 Part 2, pp. 479-497). Emerald Group Publishing Limited.
- Koppell, Jonathan GS. (2005). Pathologies of Accountability: ICANN and the Challenge of "Multiple Accountabilities Disorder." *Public Administration Review*, 65(1), 94-108. <https://doi.org/10.1111/j.1540-6210.2005.00434.x>
- O'Connell, Lenahan. (2009). Program Accountability as an Emergent Property: The Role of Stakeholders in a Program's Field. *Public Administration Review*, 65(1), 85-93. <https://doi.org/10.1111/j.1540-6210.2005.00433.x>
- Paul, Samuel. (1992). Accountability in public services: Exit, voice and control. *World Development*, 20(7), 1047-1060.
- Rozmek, Barbara .s. (n.d.). Dynamics of Public Accountability in an Era of Reform. *International Review of Administrative Sciences*, 66(1), 21-44.